

نقش سرمایه اجتماعی در توانمندسازی جوانان روستایی و اشتغال در بخش کشاورزی

بهمن خسروی پور^۱، آمنه سواری ممینی^۲

۱. استاد دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان

Khosravipour@ramin.ac.ir, b.khosravipour@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری رشته ترویج کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان

Amenehsavari@yahoo.com

چکیده

هر جامعه ای علاوه بر منابع سرمایه ای مالی و انسانی، منابع سرمایه اجتماعی نیز دارد که از پیوندها و روابط اثربخش افراد و شبکه های اجتماعی ناشی می شود. سرمایه اجتماعی به عنوان یک سرمایه غنی، بر پایه اعتماد، هنجارها و روابط شبکه ای شکل می گیرد که کارایی را از طریق تسهیل هماهنگی در اقدامات بهبود می بخشد و ظرفیت های افراد و گروه ها را در دستیابی به اهداف نهایی تسهیل می کند. بدون این سرمایه، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه ای نمی رسد. جوانان روستایی بیش از هر آموزشی نیاز به تزریق اعتماد به نفس، شناخت توانایی ها و قابلیت های نهفته خود، تقویت خودباوری، توانایی کسب اعتماد از افراد در شبکه های اجتماعی دارند. اما واقعیت آن است که علی رغم جمعیت زیاد جوانان در روستا، قادر به مشارکت کامل و به دست آوردن مالکیت بر توسعه را نداشته و از نظر قدرت سیاسی و اجتماعی محدود شده اند و تمایل برای تسلط بر تصمیم گیری در تمام سطوح در جوامع روستایی بر عهده ی افراد مسن و به خصوص مردان مسن تر است. در حال حاضر به طور گسترده ای پذیرفته شده که جوانان می توانند نقش مهمی در بهبود مدیریت در هر دو سطح ملی و محلی بازی کنند. از این رو با توجه به اهمیت تعیین کننده ورود جوانان روستایی به شغل کشاورزی این مقاله تلاش دارد ضرورت و نقش سرمایه اجتماعی در توانمندسازی جوانان روستایی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده و راهکارهای لازم را در این راستا ارائه نماید.

کلمات کلیدی: سرمایه اجتماعی، توانمندسازی، جوانان روستایی، اشتغال در بخش کشاورزی

The role of social capital in empowerment of rural youth and employment in agriculture

B. KhosraviPour¹, A. Savari- Mombeni²

1. Professor University of Agricultural Sciences and Natural Resources Khuzestan
b.khosravipour@gmail.com - Khosravipour@ramin.ac.ir
2. Ph.D. Student University of Agricultural Sciences and Natural Resources Khuzestan
Amenehsavari@yahoo.com

Abstract

Each society In addition has financial and human capital resources, as well as social capital resources that derive from the connections and relationships of individuals and social networks. Social capital is formed as a rich capital based on trust, norms and network relationships that improve the efficiency by facilitating coordination in actions and facilitating the capacity of individuals and groups in achieving ultimate goals. Without this capital, no social capital can be obtained. Rural youth, more than any other education, needs to inject self-esteem, identify their own abilities and capabilities, strengthen self-confidence, and be able to rely on people on social networks. But the reality is that, despite the large youth population in the village, they are not able to fully participate and gain ownership of development and are limited in terms of political and social power, and the desire to dominate decision-making at all levels in rural communities is the responsibility of older people, especially older men. It has now been widely accepted that young people can play an important role in improving management at both national and local levels. Therefore, considering the importance of rural youth entry into agricultural work, this article attempts to analyze and determine the necessity and role of social capital in empowerment of rural youth and provide the necessary solutions in this regard.

Keywords: social capital, empowerment, rural youth, employment in agriculture

مقدمه

جوانان از مهم ترین نیروهای توانمند، غیر قابل انکار و منابع یک کشور هستند و می توانند به توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور کمک کنند (Kipsha & Msigwa, 2013). به عبارت دیگر جوانان دارایی های هر کشور هستند. آن ها نه تنها به عنوان رهبران آینده در نظر گرفته شده اند، بلکه بزرگترین سرمایه ها برای توسعه یک کشور هستند. سرمایه گذاری بر روی جوانان تنها راه حصول اطمینان از رشد و توسعه آینده هر کشوری است (Emeh, 2013) و امروزه اشتغال جوانان برای هر کشوری در جهان از اهمیت خاصی برخوردار است (Odhiambo, 2006). در این میان نقش جوانان روستایی پررنگ تر است، زیرا بر اساس برآورد سازمان جهانی خاروبار حدود ۵۵ درصد از جوانان در مناطق روستایی سکونت دارند و حتی این رقم در کشورهای جنوب صحرای آفریقا و جنوب آسیا بالاتر از ۷۰ درصد است (Bennell, 2007). کشاورزی ستون فقرات اقتصاد کشورهای در حال توسعه و همچنان به نقش حیاتی خود برای توسعه، به ویژه در کشورهای کم درآمد، جایی که بخشی از درآمد کل و نیروی کار در بخش کشاورزی است، ادامه می دهد. کشاورزی از طریق ایجاد اشتغال در مناطق روستایی و تامین مواد غذایی با قیمت مناسب در مناطق شهری به رشد درآمد و کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه کمک می کند (Dethier & Effenberger, 2012). همچنین هنوز کشاورزی حتی در مقیاس کوچک یک منبع کلیدی برای امرار معاش و اشتغال باقی مانده است و به عنوان ابزاری برای امنیت غذایی در آینده حیاتی خواهد بود (Scarpetta et al, 2010). بنابراین ضرورت وجود یک بخش کشاورزی به عنوان بستری برای کسب اهداف توسعه در کشورهای در حال توسعه امری ضروری قلمداد می شود و این در حالی است که جوانان روستایی بخش عمده ای از جمعیت و نیروی کار جامعه را تشکیل می دهند و به عنوان بازوی کار در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده های روستایی نقش ارزنده ای دارند (Leavy & Smith, 2010). جوانان روستایی به عنوان یکی از مهم ترین سرمایه های انسانی، بخش عظیمی از جمعیت و نیروی کار جامعه روستایی را تشکیل می دهند و به عنوان بازوی کار در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده های روستایی نقش ارزنده ای دارند و سرمایه هایی بالقوه در راستای دگرگونی روستاها از وضعیت نامطلوب موجود به وضعیت مطلوب تلقی می شوند (مخت و همکاران، ۱۳۹۱). با وجود این، یکی از چالش های بنیادین بخش کشاورزی، گرایش نداشتن جوانان به اشتغال در بخش کشاورزی است (شعبانعلی فمی و همکاران، ۱۳۸۴). جوانان روستایی کشاورزی را شغلی با درآمد کافی برای رفع نیازهای ضروری زندگی امروزی نمی دانند؛ زیرا رضایت بخشی درآمد کشاورزی را در حدی کم دانسته و اذعان می دارند که هر چند، می دانند کشاورزی شغلی با ارزش است و از این راه، می توان به جامعه خدمت کرد، اما نیازهای اقتصادی آنها با انتخاب شغل کشاورزی کمتر برآورده می شود (علی بیگی، ۱۳۸۷). شرکت جوانان در بخش کشاورزی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه بسیار پایین است، اساسا به این دلیل که این بخش به دلیل ریسک، هزینه و ماهیت کار فشرده و غیر جذاب است (Tijani, 2014). از این رو تاثیر مهاجرت روستا به شهر در میان جوانان بر کشاورزی و توسعه روستایی را نمی توان نادیده گرفت (Pam, 2014). موفقیت سیاست توسعه روستایی کشور در گرو جذب و حفظ جوانان روستایی در روستا و اشتغال به بخش کشاورزی می باشد (تاجری مقدم و همکاران، ۱۳۹۲). می توان گفت اهمیت این موضوع تا آن حدی است که یکی از شرط های لازم برای از میان بردن فقر و رسیدن به توسعه ی پایدار اشتغال جوانان است و همچنین دستیابی به رشد و توسعه ی اقتصادی با تکیه بر کاهش بیکاری، اشتغال زایی در بخش کشاورزی و امنیت غذایی است که دارای جایگاهی ویژه است.

یکی از این راهبردهایی که اخیراً توسط جامعه شناسان و برنامه ریزان توسعه، در بسیاری کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته و توانسته است نقش موثری در توسعه روستاها به دنبال داشته باشد نقش سرمایه اجتماعی می باشد، اهمیت سرمایه اجتماعی سبب شده است تا از یک طرف به عنوان محصول سرمایه گذاری عمده در روابط با دیگران و کاربرد آن در دسترسی متفاوت به منابع متعلق به محله، جوامع، مناطق و بخش ها یاد کنند و از طرف دیگر، از آن برای غلبه بر مشکلات اجتماعی گوناگون مانند فقر، جرم و جنایت، اقتصاد کم بازده روستاییان به کار گرفته شود (Brunie, 2009). کارشناسان توسعه روستایی بر این باورند که کارکرد این سرمایه به اندازه سرمایه گذاری فیزیکی اهمیت دارد (مطیعی لنگرودی و دیگران، ۱۳۹۱). در واقع سرمایه اجتماعی به عنوان حلقه گم شده و راه حل جوامع دیده می شود که جهت حل مشکلات، اقدام دسته جمعی را پیشنهاد می دهد (Ballet, 2007). بنابراین شرط لازم برای پیشرفت هر جامعه ای به خصوص جوامع روستایی، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و از همه مهم تر، اعتماد متقابل (افراد و دولت) است (Bhagavatula, 2010). از این رو می توان گفت وجود سرمایه اجتماعی در جوامع کشاورزی یکی از عوامل کلیدی توسعه پایدار روستایی محسوب می شود (رستمی و همکاران، ۱۳۹۲). اهمیت موضوع جوانان و ماندن در روستا و اشتغال در حرفه ی کشاورزی تا آن جایی است که به زودی یکی از بزرگترین چالش ها برای هر کشوری این خواهد بود که چگونه جوانان خود را در کشاورزی حفظ کند لذا این تحقیق به دنبال بررسی این موضوع و ارائه راهکارهای پیشنهادی در راستای توانمندسازی جوانان برای اشتغال در این حرفه می باشد.

روش پژوهش

این پژوهش به شیوه مروری و تحلیلی به دنبال بررسی اشتغال جوانان روستایی در بخش کشاورزی می باشد. در پژوهش حاضر ضمن جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای و استفاده از سایت های اینترنتی به بررسی مبانی نظری به منظور آشنایی با مؤلفه های توانمندسازی و سرمایه اجتماعی که می تواند موجب حفظ جوانان روستایی برای اشتغال در بخش کشاورزی شود و همچنین باعث بروز روحیه نقادی نسبت به خط مشی ها و برنامه ریزی های کلان برای جذب جوانان در این مسیر که از عوامل کلیدی برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی شود، پرداخته است.

مبانی نظری

جوانان روستایی و اشتغال در بخش کشاورزی

همواره یکی از مباحث اساسی مناطق روستایی، چه در جهان و چه در ایران، مهاجرت جوانان به خصوص جوانان در سن کار از این مناطق به سمت چراغ های روشن شهر است (Kulcsar & Curtis, 2012). جوانان نشان دهنده ذینفعان بسیار مهم در هر جامعه هستند. آنها نه تنها آینده هر کشور، بلکه سهامداران عمده و منبع مفید در ملت سازی هستند (Okafor, 2011). همچنین نیروی جوان از مهم ترین ظرفیت ها برای پیشرفت اهداف توسعه کشورهاست (Olujide, 2008). سرمایه ی انسانی یکی از عامل های بنیادین در رشد و توسعه کشاورزی به شمار می آید، از این رو، مهم ترین عامل مؤثر در توسعه پایدار، در کنار سرمایه مادی، سرمایه انسانی شایسته و کارآمد است. در واقع، بدون توسعه منابع انسانی، توسعه در هیچ یک از زیر بخش ها صورت نمی گیرد. در روند توسعه، باید در کنار دیگر منابع و سرمایه های مادی، نقش اصلی را به سرمایه انسانی داد (سلطانی

و همکاران، ۱۳۹۳). سرمایه انسانی در جوانان شکل گرفته و از عوامل مهم تعیین کننده رشد بلند مدت که یک ملت می تواند بر روی آن سرمایه گذاری و تکیه کند می باشد (Emeh, 2013). این در حالی است که بخش مهم و حیاتی کشاورزی، عهده دار نقش های کاهش فقر، بالا بردن توانایی ها و مهارت های روستاییان مخصوصاً جوانان روستایی، کاهش مرگ و میر، پایداری منابع و محیط زیست و افزایش مشارکت جهانی برای رسیدن به توسعه پایدار است (Goddard, 2006). مطالعات حاکی از آن است که بخش کشاورزی از نظر توان اشتغالزایی دارای اهمیت ویژه ای می باشد به طوری که ملور (۲۰۰۳) در مطالعه خود نشان می دهد که در حدود دو سوم رشد فرصت های شغلی به طور مستقیم و غیر مستقیم به بخش کشاورزی برمی گردد (سلامی و انصاری، ۱۳۸۸). اهمیت این موضوع وقتی چندین برابر می شود که به این موضوع واقف شویم که آینده ی توسعه کشاورزی در هر کشور متکی بر جوانان روستایی می باشد (Anonymous, 2002). اما در وضعیت کنونی به نظر می رسد کشاورزی برای اغلب جوانان غیر جذاب است و جوانان در حال دور شدن از کشاورزی و آینده ی روستایی هستند (White, 2012). سوامیناتان (۲۰۰۱) بیان می دارد کشاورزی باید از لحاظ فکری تحریک کننده و از لحاظ اقتصادی رضایت بخش باشد، در غیر این صورت جذب و یا حفظ جوانان روستایی به کشاورزی مشکل خواهد بود (Sharma & Bhaduri, 2009) و این ناشی از میزان فقر بالا و وضعیت اجتماعی و اقتصادی پایین در جوامع روستایی می باشد که تاثیر منفی بر تمایلات جوانان دارد. در حالی که آرمان جوانان فقط در مورد وضعیت فرصت های اقتصادی مهم و حائز اهمیت است و از آن جا که بخش کشاورزی برای جوانان جذاب نیست، جوانان به این دلیل نمی توانند این وضعیت را بدون در نظر گرفتن نتایج اقتصادی بپذیرند (Leavy & Smith, 2010). از این رو نرخ اشتغال در بخش کشاورزی به هیچ وجه همپای رشد کلی اشتغال پیش نرفته است و ظاهراً نوع نگرش روستاییان و به ویژه جوانان روستایی نسبت به شغل کشاورزی از مهم ترین دلایل آن بوده و به عدم تمایل آنها برای انتخاب کشاورزی به عنوان پیشه ی اصلی منجر گردیده است (Osborne & Dyer, 2005). از این رو با توجه به نقش مهم جوانان روستایی در بخش کشاورزی کوتاه بینی است، اگر تصور شود که می توان بدون بالا بردن سطح مهارت و معلومات جوانان روستایی به ایجاد یک بخش کشاورزی قوی و زندگی بهتر در روستا نایل شد (Anonymous, 2002). بنابراین مسئله اصلی این است که ما در توسعه روستایی توجهی به جوانان روستایی به عنوان سرمایه اصلی توسعه ی روستایی نداریم. بر این اساس، سرمایه گذاری و همچنین توانمندسازی و تربیت نسل جوان برای اشتغال در بخش کشاورزی از اولویت های مهم هر کشور به شمار می رود.

عوامل محدود کننده حضور جوانان روستایی در بخش کشاورزی

در بررسی عوامل کاهنده میزان انگیزه جوانان به اشتغال در حرفه کشاورزی مشخص شد که کم درآمد بودن، پرزحمت بودن و آینده ی شغلی نامطمئن حرفه کشاورزی مؤثرترین عوامل کاهنده ی انگیزه ی جوانان روستایی کلاردشت در اشتغال به حرفه ی کشاورزی محسوب می شود (پورسینا و همکاران، ۱۳۸۹) تحقیق مخت و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد که مهم ترین بازدارنده های گرایش جوانان روستایی به انتخاب شغل کشاورزی عبارت اند از: پایین بودن درآمد بخش کشاورزی، نداشتن امنیت شغلی بخش کشاورزی، مخاطره آمیز بودن شغل کشاورزی و نداشتن حمایت کافی از سوی دولت می باشد. عوامل اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی در کاهش مشارکت جوانان روستایی در تولید محصولات کشاورزی نقش دارد. عوامل اقتصادی شامل ناکافی بودن تسهیلات اعتباری، کشاورزی کم سود، فقدان بیمه کشاورزان، سرمایه اولیه و نهاده های تولید، عوامل اجتماعی شامل درک عمومی در مورد کشاورزی و تاثیر حرکت والدین از کشاورزی و مسائل زیست محیطی شامل زمین نامناسب، برداشت نامناسب

محصول مداوم و تخریب خاک بود. این یافته ها به طور عمده در توافق با نتایج به دست آمده از مصاحبه با رهبران جوان انتخاب شده به دست آمده بود و در مجموع محدودیت های اقتصادی از مهم ترین عوامل بود (Akpan, 2010). نتایج تحقیق رضانیان (۱۳۸۰) نیز نشان داد در مورد علل عدم گرایش جوانان به حرفه ی کشاورزی، عدم سرمایه گذاری کافی در مناطق روستایی و کشاورزی، نبود جاذبه های چشمگیر برای جوانان روستایی، سخت و طاقت فرسا بودن فعالیت های کشاورزی و نبود نظام تامین اجتماعی در روستا و بخش کشاورزی را که به ویژه در نتیجه ی آن نوعی احساس ناامنی برای روستاییان و کشاورزان به وجود می آید را می توان از مهم ترین عوامل برشمرد بنابراین به نظر می رسد وجود شرایط آموزشی مناسب، موقعیت اقتصادی مطلوب و گسترش فعالیت های اجتماعی در افزایش انگیزه جوانان روستایی جهت ماندن در مناطق روستایی و اشتغال در بخش کشاورزی ضروری باشد (Bajema et al., 2002). در حال حاضر بیکاری، مهاجرت جوانان از مناطق روستایی، پیری جمعیت مزرعه و روند خالی شدن جوامع روستایی بخش کشاورزی و روستایی را تهدید می کنند، از طرف دیگر باید راه حلی برای مشکلات اشتغال که نسل حاضر جوانان روستایی با آن مواجه هستند و چالش توسعه واقعی است پیدا شود (Sumberg et al., 2012). قدیری (۲۰۰۳) بر این باور است که نگرش سطح پایین جوانان روستایی در مورد فعالیت های کشاورزی خود اساس مهاجرت به مناطق شهری و تمایل به شغل های کاذب است (Mosae & Ommani, 2011). به همین دلیل این استدلال وجود دارد که سیاست گذاری ها باید توجه بیشتری به رابطه ی بین جوانان و کشاورزی داشته باشند که به طور کلی موارد زیر را شامل می شود:

- فقر روستایی در حال پیشرفت؛
- مهاجرت جوانان روستایی به مناطق شهری؛
- سطوح بالای غیر قابل قبول از بیکاری و بیکاری در میان جوانان شهری و روستایی؛
- پیری جمعیت مزرعه؛
- بهره وری پایین کشاورزی (White, 2012).

کشاورزی و بحران اشتغال

در بیشتر کشورها یکی از هدف های کلان توسعه، کاهش بیکاری و توسعه فعالیت ها شغلی است. امروزه مبحث اشتغال تنها یک بحث اقتصادی یا مربوط به یک کشور خاص نیست، بلکه به طور کلی همه کشورها به نوعی با چالش بیکاری دست به گریبان هستند و ابعاد این چالش، همه ی بخش های کشورها از جمله امور فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی و امنیتی را متأثر ساخته است (حیدری مکرر و محبی، ۱۳۹۱). از آنجا که کشاورزی مهمترین زمینه ی تامین معاش روستاییان فقیر است و علاوه بر آن، نقشی مهم در تولید و اشتغال مولد دارد، در شرایط کنونی اقتصاد ایران با ویژگی هایی بارز همچون بیکاری، عدم تحرک و محدودیت سرمایه گذاری، مدیریت تحرک بخشی و سرمایه گذاری، اهمیت این رسالت دو چندان می شود (رکن الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹). بخش کشاورزی دارای پتانسیل های افزایشی غیر قابل مقایسه با دیگر بخش های اقتصادی است و می تواند به عنوان بخش مهمی در اشتغال زایی ایفای نقش کند (کرانی و همکاران، ۱۳۹۱). بنابراین کشاورزی می تواند به عنوان حل کننده مسئله بیکاری باشد (Abdullah et al., 2012). کشاورزی به دلیل اقتصادی تر بودن ایجاد اشتغال آن نسبت به صنعت، سهولت بیشتر ادغام در بازارهای جهانی، قابلیت ارتقای کیفی نظام تولید کشاورزی در سطح امکانات

موجود کشور، نگهداری جمعیت روستایی در روستاها از طریق توسعه اشتغال کشاورزی و کم شدن هزینه های هنگفت تأمین خدمات شهری دارای مزیت اشتغال زایی بیشتری نسبت به صنعت می باشد (کرانی و همکاران، ۱۳۹۱). اگر چه جوانان نگرش منفی نسبت به بخش کشاورزی دارند اما آنها هنوز هم اعتقاد دارند که این بخش می تواند منبع درآمد با تلاش های مستمر و کار سخت باشد (Abdullah et al., 2012). همچنین بخش کشاورزی یکی از مهم ترین بخش هایی است که می تواند در ایجاد اشتغال برای نیروهای جوان و فعال روستایی از نظر تامین و ایجاد امنیت غذایی در کشور نقش مهمی را به خود اختصاص دهد. آمار موجود در خصوص پتانسیل های بالقوه و بالفعل کشور بیانگر آن هست که هنوز منابع بالقوه ی زیادی در کشور وجود داشته و دارد که در صورت برنامه ریزی صحیح، بخش عظیمی از نگرانی های فوق را مرتفع می کند آمار نشان می دهد که در حال حاضر، نیمی از پتانسیل های موجود در بخش های آب و خاک و منابع طبیعی تجدید شوند، که شرط اصلی توسعه ی اقتصادی کشور می باشد، مورد استفاده قرار نگرفته است (محبوبی قمی و میردامادی، ۱۳۸۲). از این رو همان طور که مطالعات نیز نشان می دهد بخش کشاورزی می تواند، موقتا و دست کم تا زمان حل قطعی بحران اشتغال، قسمت مهمی از فرصت های اشتغال مورد نیاز جوامع در حال توسعه را تامین کند و وظیفه اشتغال آفرینی برای بخش مهمی از بیکاران جامعه را به عهده گیرد. واقعیت این است که بخش کشاورزی ایران، دست کم برای تعدیل موضعی و موقتی بحران اشتغال و بیکاری، از مزیت های نسبی درخور توجهی برای اشتغالزایی موقت تا زمان حل عقلانی و فراگیر این مسئله، برخوردار است. اهم مزیت های نسبی بخش کشاورزی در زمینه اشتغالزایی و کارآفرینی از این قرار است:

- ۱) سازگاری توسعه اشتغال کشاورزی با پراکندگی توزیع جمعیت روستایی
- ۲) اقتصادی تر بودن ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی نسبت به صنعت
- ۳) سهولت بیشتر ادغام بخش کشاورزی در بازارهای جهانی
- ۴) قابلیت ارتقای کیفی نظام تولید کشاورزی در سطح امکانات موجود کشور
- ۵) نیاز به نسبت کمتر شاغلان کشاورزی به آموزش های حرفه ای و تخصصی
- ۶) نگهداری جمعیت روستایی در روستاها
- ۷) قابلیت تکاثری کارآفرینی و اشتغالزایی در بخش کشاورزی (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۳)

سرمایه اجتماعی

پس از این که الگوهای مرسوم رشد نتوانستند تمامی جوانب رشد اقتصادی را بیان کنند، دیدگاه ها متوجه نقش سرمایه انسانی شد. در این راستا سرمایه انسانی به عنوان عاملی تلقی شد که نقش اصلی را در تبیین رشد توضیح داده نشده دارد بنابراین برخی از مطالعات به نوع دیگری از سرمایه، با عنوان سرمایه اجتماعی پرداختند (سوری و مهرگان، ۱۳۸۶). بیکر و کالتر (۲۰۰۷) پنج شکل عمده از سرمایه های فیزیکی، مالی، انسانی، طبیعی و اجتماعی را مطرح و استدلال می کنند که سرمایه اجتماعی برای تولید از هر شکل دیگری از سرمایه با ارزشتر است و به عنوان روان کننده است که می توان از طریق آن سایر اشکال دیگر سرمایه را پیش بینی کرد (Ballet, 2007). به گونه ای که در صورت نبود سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه ها اثربخشی خود را از دست داده و پیمودن راه های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناهموار و دشوار می شود (Adler, 2002). اگر سرمایه انسانی آن چیزی باشد که انسان می داند (مجموع دانش، مهارت ها و تجارب)، سرمایه اجتماعی روابطی است که انسان با کسانی که می شناسد برقرار می کند، یعنی اندازه، کیفیت و گوناگونی شبکه های کسب و کار و شبکه های ارتباط شخصی که انسان

در آن نقش دارد (فقیهی و فیضی، ۱۳۸۵). به عبارت دیگر سرمایه انسانی به توانایی های افراد و سرمایه اجتماعی نیز به ارتباطات میان افراد گفته می شود (Ring Peredo et al., 2010). در واقع سرمایه اجتماعی ایده ای در جامعه، شامل حالت های رسمی و غیر رسمی بهره برداری از جوامع، شبکه های تعامل شهروندان، ارزش ها، هنجارهای اجتماعی و دیگر ساختارهای اجتماعی که همه دارای اثر حیاتی در توسعه اقتصاد و تشدید تحقق اهداف فردی است (Pehkonen, 2006). در کشورهای توسعه نیافته، فقدان سرمایه اجتماعی را حلقه مفقوده توسعه و رشد اقتصادی نام نهاده اند. اقتصاد جدید، سرمایه اجتماعی را به کار می گیرد و به هنجارهایی که از بیرون نظام اقتصادی سرچشمه گرفته و بر رفتارهای اقتصادی تأثیر می گذارد، توجه جدی نشان نمی دهد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی را می توان حاصل پدیده هایی چون اعتماد متقابل، تامل اجتماعی متقابل، گروه های اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی، احساس وجود تصاویری مشترک از آینده و کار گروهی در یک سیستم اجتماعی دانست (علوی، ۱۳۸۰). بررسی دقیقتر سرمایه اجتماعی، ما را به این مطلب می رساند که بدون این سرمایه، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه ای نمی رسد. این نگرش، کاملتر از نگرشی است که به صورت سنتی در علم اقتصاد وجود دارد، چرا که روابط میان افراد جامعه را نیز در تحلیل خود وارد می کند. غالب تحلیل های اقتصاد خرد، معطوف به بهینه یابی های فردی است و روابط میان افراد در معاملات آن جایی ندارد. روابط بین افراد، هنجارها و سنت ها به تسهیل هماهنگی و همکاری کمک می کند، که خود موجب افزایش بهره برداری می شود (سوری و مهرگان، ۱۳۸۶). در مقابل، سیاست هایی از دولت که برای رشد و آبادانی مناطق روستایی، جایگاه سرمایه اجتماعی را نادیده می گیرند، همیشه با مشکلات جدی مواجه بوده اند و گاه به اسم توسعه مالی، صنعتی یا کشاورزی کیفیت شبکه های اجتماعی سنتی را در هم ریخته و بازدهی بسیار پایینی از روند توسعه را شاهد بوده اند (مطیعی لنگرودی و دیگران، ۱۳۹۱). بنابراین سرمایه اجتماعی می تواند به عنوان منبعی در نظر گرفته شود که از روابط اجتماعی سرچشمه گرفته و در واقع نوعی سرمایه گذاری در روابط با بازدهی مورد انتظار محسوب می شود.

توانمندسازی

وقتی کشوری می خواهد بر موانع مرتبط با فقر و توسعه غلبه کند، موضوع توانمندسازی و مشارکت گامی لازم برای قرار گرفتن در مسیر توسعه انسانی و مدیریت استعدادها، اهداف توسعه هزاره و اهداف معتبر جهانی محسوب می شود (Bandiera, et al, 2012). ریفکین توانمندسازی را فرآیندی می داند که به واسطه آن افراد بر امور و کارهایشان تسلط بیش تری می یابند و با کسب قدرت بالا، کنترل بر منابع، اعتمادسازی، ظرفیت سازی و مشارکت فعال قادرند مسیر زندگیشان را به درستی هدایت کنند (Rifkin, 2003). به عبارتی، توانمندسازی به معنای قدرت بخشیدن است؛ بدین معنا که به افراد کمک شود تا احساس اعتماد به نفسشان را بهبود بخشند و نیز بر احساس ناتوانی یا درماندگی شان چیره شوند. به عبارتی، در فرد توانمند شور و شوق کار و فعالیت به وجود آید و برای انجام وظایف بر اساس انگیزه درونی عمل کنند. افراد توانمند نه فقط امکان انجام برخی کارها را به دست می آورند، بلکه اندیشه آنان درباره خود نیز با اندیشه ای که پیش از توانمند شدن داشته اند تفاوت می کند (Whetten & Cameron, 2002). توانمندسازی دارای ابعاد مختلفی از جمله ابعاد اجتماعی، فردی و روانشناختی، حقوقی و قانونی و اقتصادی است. یکی از ابعاد مهم آن، توانمندسازی اقتصادی با هدف ایجاد اشتغال پایدار و افزایش درآمد خانوارها و بالطبع، کاهش فقر آنان می باشد، زیرا وضع اشتغال از جهت های متعددی می تواند بر فقر و ابعاد آن تأثیر گذار باشد (Ashburn & Warner, 2010). از این رو در بحث اشتغال در بخش کشاورزی، توانمندسازی کشاورزان نقشی پررنگ

دارد. بروز اختلال در روند توسعه کشاورزی از عدم توانمندسازی ناشی می شود و در صورت توانمند شدن کشاورزان، هریک از آن ها، بدون هیچ ایراد و نقصی در مقابل محرک ها واکنشی مناسب و معقول از خود نشان می دهند (Evans, 2003). کشاورزان توانمند با خصوصیات رفتاری نظیر داشتن دیدگاه مثبت به کار، اعتماد به نفس بالا، مصمم بودن و پیگیری در انجام کارها، داشتن قابلیت انطباق و انعطاف با شرایط متغیر محیطی، پیشقدمی در کارهای گروهی، اشتیاق برای یادگیری و به دست آوردن اطلاعات نو و جدید، تلاش برای فرصت، اعتقاد به وجود نداشتن کار غیرممکن، نوآوری، ابتکار و خلاقیت، تمایل به ایجاد تنوع، احساس پیشرفت در قبال نتایج کار خود کنترل، برشمردن خود به عنوان فردی از گروه، قادر بودن به استفاده از تمام مهارت ها و توانمندی های خود، و ریسک پذیر بودن به توسعه کشاورزی شتاب بیشتری می بخشند (Richardson, 2006). در این میان قشر جوان به عنوان جمعیت فعال و تاثیرگذار و همچنین تاثیرپذیر جامعه که می تواند نقش بسزایی در توسعه و پیشرفت جامعه و محل زندگی خود داشته باشد بیش از هر قشر دیگری به توانمند شدن نیاز دارد.

سرمایه اجتماعی و توانمندسازی

یکی از ابعادی که سرمایه اجتماعی بر آن تأثیرگذار است بعد توانمندسازی روستاییان است و امروزه اهمیت سرمایه اجتماعی به منظور رسیدن به توانمندسازی، موضوع روبه رشد بسیاری از مطالعات است و شرط لازم برای رسیدن به این امر به ویژه در جوامع روستایی، گسترش انسجام اجتماعی، مشارکت و اعتماد متقابل است و با ایجاد شبکه های اجتماعی رسمی و غیر رسمی نقشی مؤثر در مدیریت و جلوگیری از آسیب پذیری اجتماعی ایفا می کند (رستمی و همکاران، ۱۳۹۲). از این رو از جمله شاخص ها و مقوله های مهم سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و شبکه های اجتماعی می باشند. که هر کدام به شرح زیر می باشند:

- **اعتماد اجتماعی:** اعتماد به معنی داشتن احساس امنیت است. اعتماد هم چنین به طور ضمنی دلالت بر این دارد که افراد خود را در یک موقعیت آسیب پذیری قرار می دهند. با این همه، افراد توانمند ایمان دارند که در نهایت هیچ آسیبی در نتیجه ی آن اعتماد متوجه آنان نخواهد. افراد توانمند دارای حس اعتماد هستند و مطمئن هستند که با آنان منصفانه و یکسان رفتار خواهد شد. این افراد، این اطمینان را حفظ می کنند که حتی در مقام زیردست نیز نتیجه نهایی کارهایشان منصفانه خواهد بود. معمولاً معنی این احساس، آن است که آنان اطمینان دارند که صاحبان قدرت به آنان آسیب یا زیان نخواهند زد و با آنان بی طرفانه رفتار خواهد شد (وتن و کمرون، ۱۳۸۳). بنابراین این را می توان استدلال کرد که سرمایه اجتماعی باعث افزایش رفاه افراد و جوامع به دلیل اعتماد شبکه ها و حمایت های اجتماعی و همچنین تسهیل فعالیت های مردم می شود و زمانی که مردم با هم در ارتباط هستند و به یکدیگر اعتماد دارند، تعامل اجتماعی ساده تر ساخته شده و جریان اطلاعات بهبود می یابد (Pehkonen, 2006).

- **شبکه های اجتماعی:** از روابط اجتماعی و پیوند افراد موجود در سازمان و جامعه ایجاد می شود. این افراد با تبادل اطلاعات و همکاری در حل مشکلات از روابط دو جانبه بهره مند می شوند (Ring Peredo et al., 2010). از این رو سرمایه اجتماعی به پیوندها و ارتباطات میان اعضای یک شبکه به عنوان منبعی با ارزش اشاره دارد که این ارتباطات با خلق هنجارها و اعتماد متقابل سبب تحقق اهداف می شوند، به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی در پرتو ارتباطات متقابل، سبب نزدیکی انسان ها به یکدیگر می شود و همکاری را تسهیل می کند (توکلی و همکاران، ۱۳۹۴).

فیتزمن (۲۰۰۵) توانمندسازی را فرآیندی پنج سطحی می داند که شامل موارد زیر می باشد:

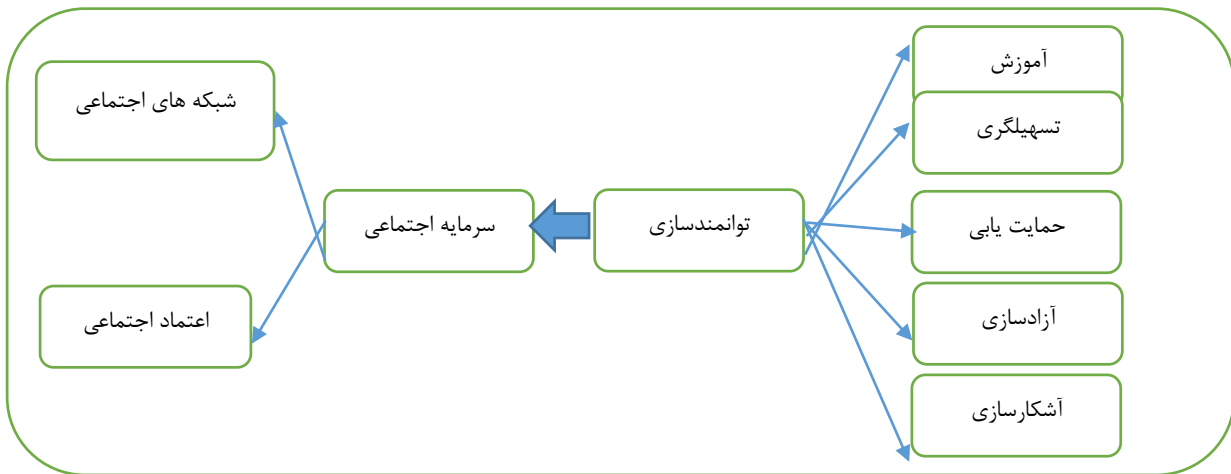
- آموزش: آموزش و آگاهی به عنوان رکن اصلی در فرآیند توانمندسازی و دستیابی به توسعه پایدار، اهمیتی در خور توجه دارد. توانمندسازی و آموزش از مفاهیم مرتبط با یکدیگرند و آموزش فرآیندی است که به واسطه آن، افراد به کسب دانش، یادگیری مهارت و توسعه نگرش و اعتقادات خویش در زندگی می پردازند (Bank, 2012). در مقوله آموزش، نحوه بروز توانمندی های افراد است، به نوعی که خود ضمن مشارکت در طرح ها و برنامه ها، خود طراح و اجرا کننده باشند به عبارت دیگر تاکید بر بهبود خودتکایی است.

- برنامه های تسهیلگری: به معنای ساده سازی یا کمتر کردن مشکلات با کمک حرکت به سمت جلو است. تلاش می شود به بازیگران کمک شود تا خود یک طرح را پیاده کنند (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۰). تسهیلگری فرآیندی است که طی آن سعی می شود ابزار ابتکار عمل، تصمیم گیری و خلاقیت به افراد و گروه هایی که تا به حال به هر علت در حاشیه بوده اند و فرصت مشارکت نداشتند، انتقال یابد و نقش و فعالیت اعضای گروه به صورت قابل توجهی تداوم داشته تا اینکه افراد به توانمندی برسند.

- حمایت: در حمایت بر دفاع از مردم در پیاده کردن طرح های توسعه ای تاکید می شود به همین جهت مربیان برای دستیابی به اهداف و پیشرفت، به مردم اعتماد به نفس می دهند (قلی زاده گرجان و همکاران، ۱۳۹۳). در واقع تاکید بر ایفای نقش حمایتی وابستگان و دست اندرکاران دولتی از پیشنهادات توسعه ای افراد محلی می باشد.

- آزادسازی: در آزادسازی، ارزشیاب توانمندساز، بروز دهنده استعداد های مردم است و نوعی زمینه بروز، استعداد های مردم را برای تصمیم گیری فراهم می کند تا درباره چگونه زندگی کردن و استفاده از امکانات و منابع، یافتن راه های مفید برای مشارکت و فرصت های جدید تلاش کنند (شیدایی آشتیانی، ۱۳۸۸). از این رو از طریق فلسفه زیر بنایی، برنامه های جدید را یاد می گیرند و به آن ها اجازه باز تعریف نقش های آینده خود و اهداف را می دهند. بنابراین می تواند به عنوان یک منبع برای بهبود زندگی خود در دراز مدت باشد.

- آشکار سازی: برنامه و اقداماتی است که منجر به آگاه سازی، روشن گری و ایجاد انگیزه در میان اعضای جامعه هدف برای همراهی با دیگر عوامل برنامه می شود (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۰). بنابراین تاکید بر آگاه سازی، روشن گری و ایجاد انگیزه در میان اعضای جامعه دارد.



مدل ابعاد توانمندسازی، منبع: فیتزمن (۲۰۰۵)

سرمایه اجتماعی و توانمندسازی جوانان روستایی

جوانان منابع بسیار مهمی برای هر کشوری به ویژه برای حفظ بهره وری کشاورزی هستند. از این رو جوانان یک ذینفع مهم در فرآیند توسعه به شمار می آیند چرا که آنان دارایی های بزرگی چون انعطاف پذیری، ابتکار و پشتکار دارند (Naamwintome & Bagson, 2013). از این رو انرژی، مهارت و آرمان های جوانان، دارایی های ارزشمندی است که نباید در هیچ کشوری هدر رود (Conjaerts et al, 2009). به گزارش سازمان سرمایه جمعیت ملل (۲۰۰۶) جوانان با پویایی و انعطاف پذیری، به طور بالقوه به عنوان یک عامل تغییر مثبت در جوامع روستایی می باشند و این را باید توسط برنامه های توسعه تضمین نمود (Naamwintome & Bagson, 2013). جوانان روستایی، سرمایه های بالقوه تحول روستاها از حالت سنتی به بخش فعال و اقتصادی محسوب می شوند (Olujide, 2008). بنابراین اگر جوانان روستایی امروز نمی توانند و یا نمی خواهند به کشاورزان فردا تبدیل شوند پس چگونه باید انتظار داشت، معضل افزایش جمعیت جهان و به تبع آن نیاز به تغذیه برطرف شود (Scarpetta et al, 2010). از این رو کمک به جوانان برای تحقق بخشیدن به پتانسیل کامل خود با به دست آوردن دسترسی به اشتغال مولد و کار مناسب پیش شرط لازم برای ریشه کن کردن فقر، توسعه پایدار و صلح پایدار است، بنابراین برنامه های اشتغال جوانان می تواند پشتیبانی مفید برای افراد جوان که با موانع خاص در بازار کار روبرو هستند فراهم کند (Coenjaerts et al., 2009). توانمند سازی جوانان به عنوان مرحله مهمی در زندگی برای ساخت و ساز سرمایه انسانی به رسمیت شناخته شده است (Emeh, 2012). همچنین سرمایه های اجتماعی درون منطقه و اجتماعات محلی نیز از عوامل موفقیت در نظر گرفته می شوند، چراکه جوانان بنا دارند زندگی بزرگسالی و هویت خود را در همان اجتماع محلی و منطقه زادگاهشان بسازند (Thissen et al., 2012). از دیدگاه پوتنام (1993) سرمایه اجتماعی از طریق ایجاد سازمان های اجتماعی بر پایه اعتماد، هنجارها و روابط شبکه ای شکل می گیرد که کارایی را از طریق تسهیل هماهنگی در اقدامات بهبود می بخشد

و ظرفیت های افراد گروه ها را بر دستیابی به اهداف نهایی تسهیل می کند، بالعکس فقدان آن منجر به بروز محدودیت هایی در فرآیند توسعه در سطوح مختلف می شود (Khanh, 2011). از این رو جوانان باید بسیج شوند به طوری که آنها قادر به مشارکت کامل و به دست آوردن مالکیت بر توسعه را داشته باشند. استراتژی ها و سیاست های سازمان های جوانان روستایی از هر نوع باید به عنوان یک عنصر کلیدی در بالا بردن ظرفیت سازمانی برای فقرا تاسیس و تقویت شود (Bennell, 2007). از این رو سازمان ها و شبکه های جوانان روستایی باید ایجاد و تقویت شوند. پیشرفت های هیجان انگیزی در این زمینه وجود دارد. به عنوان مثال تامین اعتبار برنامه استعدادهای جوانان روستایی در آمریکای جنوبی، بر یک استراتژی جدید مبتنی است که به دنبال نظام مندی و اشاعه تجارب و درس هایی است که از برنامه ریزی جوانان روستایی آموخته است (جمعه پور و همکاران، ۱۳۹۳). اما واقعیت آن است که علی رغم جمعیت زیاد جوانان در روستا، جوانان روستایی از نظر قدرت سیاسی و اجتماعی محدود شده اند و تمایل برای تسلط بر تصمیم گیری در تمام سطوح در جوامع سنتی بر عهده ی افراد مسن و به خصوص مردان مسن تر است. در حال حاضر به طور گسترده ای پذیرفته شده که جوانان می توانند نقش مهمی در بهبود مدیریت در هر دو سطح ملی و محلی بازی کنند (Bennell, 2007). همچنین راهبردهای مؤثر جوانان نیز به نقش مؤثر آن ها وابسته است جوانان باید در خط مقدم تلاش برای گسترش فرصت ها برای مردم روستایی باشند (جمعه پور و همکاران، ۱۳۹۳). از این رو وجود سرمایه اجتماعی، شرط لازم - نه کافی - برای نتیجه بخشی سرمایه ها و سیاست های اقتصادی است (سوری و مهرگان، ۱۳۸۶). از طرف دیگر با توجه به ابعاد توانمندسازی ذکر شده جوانان روستایی در کشورهای در حال توسعه با چالش های مختلفی نظیر شرایط نامناسب کار و فرصت های محدود آموزشی مواجه هستند. بنابراین، ارزیابی دقیق نیازهای آموزشی و فراهم آوردن شرایط مناسب در این زمینه می تواند از مهاجرت بی رویه جوانان جلوگیری نماید (Ommani & Chizari, 2006). مطالعات مختلف نشان داده اند، چگونه آموزش را به عنوان تمرینی در حال حاضر (به خصوص آموزش متوسطه) برای کمک به روند ساختن جوانان روستایی که در مهارت های کشاورزی نادیده گرفته شده اند و کشاورزی خود را به عنوان یک شغل کاهش داده اند، به کار گیریم (Crawford, 2010). نیروی انسانی ماهر و کارآمد از مهمترین اولویت ها برای دستیابی به توسعه روستایی و کشاورزی است. برای رسیدن به این مهم، آموزش شرط لازم برای بالابردن کارایی و بهره وری این نیرو می باشد.

حمایت ها منابع محیطی خاص هدف مانند مواد و ابزارها یا حمایت احساسی و اجتماعی می توانند از طریق فراهم آوردن بازخورد، تقویت منفی یا مثبت یا فراهم ساختن تجربه جانشینی بر حس خودکارآمدی و تلاش برای رسیدن به هدف تاثیر گذاشته و به دنبال آنها بر رضایت شغلی نیز مؤثر واقع شوند (Duffy & lent, 2009). بنابراین رفتارهای انتخاب حرفه با متغیرهای زمینه ای مانند حمایت همراه است (Rogers & Creed, 2011). در نهایت نیز می توان از سرمایه اجتماعی در شبکه های کسب و کار و از طریق منابعی مثل اطلاعات، اندیشه ها، راهنمایی ها، فرصت های کسب و کار، سرمایه مالی، قدرت و نفوذ، حمایت عاطفی، حتی حسن نیت، اعتماد و همکاری که از منابع سرمایه اجتماعی است راه های توانمندسازی جوانان روستایی برای اشتغال در حرفه کشاورزی را مهیا کرد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

امروزه، نبود فرصت های شغلی، وجود بیکاری و همچنین، فقر روستایی را می توان از مشکلات اساسی روستاهای کشور برشمرد که به مهاجرت های روستا- شهری منجر شده و این امر مشکلاتی را هم برای شهرها و هم روستاها و در واقع برای کل کشور به وجود آورده است. کشاورزی از مهم ترین بخش های اقتصادی کشور است و نقش آن در توسعه و ثبات اقتصادی و سیاسی انکار ناشدنی است. این در حالی است که امروزه بهترین راه برای کاهش فقر روستایی و افزایش رفاه میلیون ها نفر فقیر روستایی در کشورهای در حال توسعه سرمایه گذاری در بخش کشاورزی می داند. جوانان روستایی سرمایه های انسانی و نیروهای بالقوه روستایی می باشند که نقش مهمی در آینده توسعه کشاورزی دارند و پتانسیل های بالقوه و اندیشمندی جهت مشارکت در برنامه های سازندگی روستایی و سرنوشت سازان فرهنگ و اقتصاد آینده جامعه می باشند. ماندگاری جوانان در روستاها مسلماً یکی از عوامل اصلی پایداری روستاهاست. حفظ این نیروی عظیم و سرمایه انسانی در روستاها باعث اشتغال زایی و در نتیجه رونق و توسعه مناطق روستایی می گردد. یکی از راهبردهای اساسی برای حفظ جوانان روستایی و توانمندسازی آنان برای اشتغال در بخش کشاورزی، سرمایه اجتماعی می باشد. سرمایه اجتماعی به عنوان یک سرمایه غنی، بر پایه اعتماد، هنجارها و روابط شبکه ای شکل می گیرد که کارایی را از طریق تسهیل هماهنگی در اقدامات بهبود می بخشد و ظرفیت های افراد و گروه ها را در دستیابی به اهداف نهایی تسهیل می کند. جوانان روستایی بیش از هر آموزشی نیاز به تزریق اعتماد به نفس، شناخت توانایی ها و قابلیت های نهفته خود، تقویت خودباوری، توانایی کسب اعتماد از افراد در شبکه های اجتماعی دارند. اما واقعیت آن است که علی رغم جمعیت زیاد جوانان در روستا، جوانان روستایی دارای قدرت اجتماعی و سیاسی محدودی بوده اند. افراد مسن، به خصوص مردان مسن تر، تمایل به تسلط بر تمام سطوح تصمیم گیری در جوامع روستایی دارند تا جایی که می توان از آن به عنوان حکومت سالخوردگان ذکر کرد. اکنون پذیرفته شده که جوانان می توانند نقش مهمی در بهبود مدیریت ملی و محلی و اجرای سیاست های مهم اجتماعی و اقتصادی ایفاء کنند بنابراین باید به طراحی مداخلاتی برای ساخت سرمایه اجتماعی و سیاسی جوانان روستایی که مورد نیاز می باشد پرداخت. جوانان باید بسیج شوند به گونه ای که قادر باشند مشارکت کامل و سهم بیشتر در سیاست ها و استراتژی های توسعه جوانان داشته باشند. از این رو پیشنهادهای زیر در راستای بهبود وضعیت موجود ارائه می شود:

- تاسیس و راه اندازی مکان هایی با هدف ارائه آموزش های ترویجی به جوانان روستایی و همچنین ساماندهی و تشکل آن ها برای ورود هر چه بیشتر جوانان روستایی، چرا که از طریق این گونه مکان هاست که می توان به ایجاد و تقویت ویژگی رهبری، غرور و احساس گرایش به جامعه خود و ویژگی های شخصیتی مناسب در جوانان پرداخت.

- اتخاذ سیاست هایی برای ایجاد فرصت ها و بسترهای جدید برای مشارکت و همکاری جوانان روستایی در برنامه های جامع روستایی

- تقویت فرهنگ مشارکت و همکاری و همچنین مسئولیت پذیری در فعالیت های اجتماعی برای جوانان روستایی

- افزایش و بازبینی در اعطای وام های درازمدت و همچنین تسهیلات و حمایت های لازم برای اشتغال جوانان روستایی در بخش کشاورزی

- برگزاری دوره ها و کارگاه های آموزشی مورد نیاز در زمینه های متنوع در جهت فقرزدایی اطلاعاتی و افزایش دانایی و مهارت روستاییان

- ارزش گذاری و استفاده از دانش جوانان روستایی در سطوح تصمیم گیری در جوامع روستایی

منابع

- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری. (۱۳۸۷). جامعه شناسی توسعه. چاپ هفتم، انتشارات کیهان. صص ۳۸۱-۴۰۰
- پورسینا، م. م. چیدری. ج. فرج الله حسینی و م. طهماسبی. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر میزان انگیزه جوانان روستایی برای اشتغال به حرفه کشاورزی: مطالعه موردی روستاهای شهرستان کلاردشت. فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۳، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹، صص ۳۱-۴۹
- تاجری مقدم، م. غ. پزشکی راد. ج. شعبانعلی فمی و م. فتحی مقدم. (۱۳۹۲). نقش و جایگاه باشگاه کشاورزان جوان در توسعه ی روستایی: مطالعه ی موردی شهرستان خلیل آباد خراسان رضوی، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۶، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۲، صص ۱۰۱-۱۲۰
- جمعه پور، م. کفاح بجستانی، ح و رحیمی بجستانی، ن. (۱۳۹۳). سرمایه گذاری در آینده ایجاد فرصت برای جوانان روستایی، کنفرانس آینده پژوهی، ۹ بهمن ۱۳۹۳
- حیدری مکرر، ح و محبی، ز. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، صص ۱-۹، بابلسر، شرکت پژوهشی طرود شمال
- رستمی، فرحناز، وحید علی آبادی و سارا بقایی. (۱۳۹۲). نقش عضویت در تشکل های روستایی بر سطح، سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی زنان روستایی. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره ۲، پیاپی ۴، صص ۱-۱۴
- رکن الدین افتخاری، ع. ح. سجاسی قیداری و ح. رضوی. (۱۳۸۹). راهبرد های توسعه کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی: مطالعه ی موردی روستاهای شهرستان خدابنده. فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۳، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹، صفحات ۱-۲۹
- زاهدی مازندرانی، م. (۱۳۸۳). ضرورت های کارکردی توسعه اشتغال در بخش کشاورزی. اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۲، شماره ۴۵، بهار ۱۳۸۳
- سلامی، ح و و. انصاری. (۱۳۸۸). نقش بخش کشاورزی در ایجاد اشتغال و توزیع درآمد: روش تحلیل ساختاری مسیر. مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۲-۴۰، شماره ۳، ۱۳۸۸
- سلطانی، ع.، چهارسوق امین، ح. و آرایش، م. ب. (۱۳۹۳). تحلیل عوامل مؤثر بر گرایش جوانان روستایی ایلام به اشتغال در بخش کشاورزی. مجله پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی. ۳(۷)
- سوری، علی و مهرگان، نادر. (۱۳۸۶). نقش سرمایه اجتماعی در تشکیل سرمایه انسانی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، سال ۱۱، شماره ۴۲
- شعبانعلی فمی، ح.، علی بیگی، ا. ح.، کرمی، ر. و رحیم زاده، م. (۱۳۸۴). عوامل مؤثر بر انگیزش دختران روستایی برای مشارکت در فعالیت های کشاورزی در استان کرمانشاه. فصلنامه مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان. ۴:۶۵
- شیدایی آشتیانی، ک. (۱۳۸۸). تاثیر توانمندسازی بر توسعه اجتماعی، اداره کل برنامه ریزی و فناوری اطلاعات، گروه برنامه ریزی، صص ۱۳، ۱۳۸۸
- عباس زاده، م. بوداقی، ع و اقدسی علمداری، ف. (۱۳۹۰). توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با تاکید بر راهکارهای بومی، مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی توانمندسازی
- علوی، ب. (۱۳۸۰). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه، تدبیر، (۱۱۶). صص ۳۴-۴۰
- علی بیگی، ا. (۱۳۸۷). جوانان روستایی شهرستان کرمانشاه و چالش انتخاب شغل کشاورزی. فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۱۱، بهار ۱۳۸۷، صص ۵۹-۷۶
- فقیهی، اب و فیضی، ط. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی: رویکردی نو در سازمان. فصلنامه دانش مدیریت، سال ۱۹، شماره ۷۲، ۲۳-۴

قلیزاده گرجان، م، آریک، ب و علایی، م. (۱۳۹۳). بررسی عوامل اقتصادی موثر بر توانمندی زنان سرپرست خانوار، همایش علمی رفتارهای حمایتگرانه در عصر جهانی شدن

محبوبی قمی، ا و م. میردامادی. (۱۳۸۲). جوانان روستایی، اشتغال و آینده، ماهنامه علمی، اجتماعی، اقتصادی (معاونت ترویج و نظام بهره برداری) جهاد، سال بیست و سوم، شماره ۲۵۶

مخت، س.، باقری، ا.، و شعبانعلی قمی، ح. (۱۳۹۱). نگرش جوانان روستایی شهرستان گنبد کاووس نسبت به اشتغال به بخش کشاورزی. فصلنامه روستا و توسعه. ۴(۱۵): ۱۳۶-۱۱۵

مطیعی لنگرودی، ح، نوربخش، م و سراسکانرود، م. (۱۳۹۱). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی (مطالعه موردی: روستای خورجستان از توابع بخش مرکزی شهرستان هشتگرد)، همایش ملی توسعه روستایی.

وتن، د و کمرون، ک. (۱۳۸۳). تواناسازی کارکنان و تفویض اختیار، ترجمه بدرالدین اورعی یزدانی، چاپ دوم، کرج: موسسه تحقیقات و آموزش مدیریت

- Abdullah, F. A., Samah, B. A., & Othman, J. (2012). Inclination towards agriculture among rural youth in Malaysia. *Economic Planning*, 11(773.3), 3-6.
- Akpan, S. B. (2010). Encouraging youth's involvement in agricultural production and processing.
- Adler, P. S., & Kwon, S. W. (2002). Social capital: Prospects for a new concept. *Academy of management review*, 27(1), 17-40.
- Anonymous, M. (2002). Agriculture and Development. [on line], Available on the: [www.ngoforum.org.kh/working Group. Issues/civilsociety/ngo,2002/16/htm](http://www.ngoforum.org.kh/workingGroup_Issues/civilsociety/ngo,2002/16/htm)
- Ashburn, K., & Warner, A. (2010). Can economic empowerment reduce vulnerability of girls and young women to HIV? Emerging insights.
- Bajema, D., Miller, W. W., & Williams, D. L. (2002). Aspirations of rural youth. *Journal of Agricultural Education*, 43(3), 61.
- Ballet, J., Sirven, N., & Requier-Desjardins, M. (2007). Social capital and natural resource management: a critical perspective. *The Journal of Environment & Development*, 16(4), 355-374.
- Bandiera, O., Buehren, N., Burgess, R., Goldstein, M., Gulesci, S., Rasul, I., & Sulaiman, M. (2012). Empowering adolescent girls: evidence from a randomized control trial in Uganda. Washington, DC: World Bank.
- Bank, James A., 2012, *Encyclopedia of Diversity in Education: Empowerment and Education*, Thousand Oaks, SAGE Publications, Inc.
- Bennell, P. (2007). Promoting livelihood opportunities for rural youth. *IFAD Governing Council Roundtable: Generating Remunerative Livelihood Opportunities for Rural Youth. UK: Knowledge and Skills for Development*.
- Bhagavatula, S., Elfring, T., Van Tilburg, A., & Van De Bunt, G. G. (2010). How social and human capital influence opportunity recognition and resource mobilization in India's handloom industry. *Journal of Business Venturing*, 25(3), 245-260.
- Brunie, A. (2009). Meaningful distinctions within a concept: Relational, collective, and generalized social capital. *Social science research*, 38(2), 251-265.
- Coenjaerts, C., Ernst, C., Fortuny, M., Rei, D., & Pilgrim, I. M. (2009). Youth employment. *Unclassified DCD/DAC (2009) 16/ADD*, 69.
- Crawford, M. (2010). *The Case for Working with Your Hands: Or why office work is bad for us and fixing things feels good*. Penguin UK.
- Duffy, R. D., & Lent, R. W. (2009). Test of a social cognitive model of work satisfaction in teachers. *Journal of Vocational Behavior*, 75(2), 212-223.

- Emeh, I. E. J. (2012). Tackling youth unemployment in Nigeria; the Lagos State development and empowerment programmes initiatives. *Afro Asian Journal of Social Sciences*, 3(3.4).
- Evans, E. N. (1992). Liberation theology, empowerment theory and social work practice with the oppressed. *International Social Work*, 35(2), 135-147.
- Goddard, E. (2006). Beyond the cost of food: the role of the agriculture sector, *center for health promotion studies*. vol.8, No.2.
- Kipasha, E. F., & Msigwa, R. (2013). *Determinants of youth unemployment in developing countries: Evidences from Tanzania*.
- Kulcsár, L. J. (2012). *International handbook of rural demography*. K. J. Curtis (Ed.). Springer.
- Leavy, J., & Smith, S. (2010). Future farmers: youth aspirations, expectations and life choices. *Future Agricultures Discussion Paper*, 13, 1-15.
- Mosaee, M., & Ommani, A. (2011). Assessment the Socio-economic Factors Affecting Rural Youth Attitude to Occupation in Agricultural (Case of Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Province, Iran).
- Naamwintome, B. A., & Bagson, E. (2013). Youth in agriculture: Prospects and challenges in the Sissala area of Ghana. *Net Journal of Agricultural Science*, 1(2), 60-68.
- Odhiambo, O. (2006). Enhancing the Productive Capacity of Rural Youth in Agriculture, Environment and Natural Resource Management towards Employment Creation in Kenya: Experiences from Kenya Rural Youth Livelihood Strategies Programme (KERYLIP) Pilot Project in Nyando District-Nyanza Province of Kenya. Youth Employment Summit-Nairobi (YES).
- Okafor, E. E. (2011). Youth unemployment and implications for stability of democracy in Nigeria. *Journal of sustainable Development in Africa*, 13(1), 358-373.
- Olujide, M. G. (2008). Attitude of youth towards rural development projects in Lagos State, Nigeria. *Journal of Social Sciences*, 17(2), 163-167.
- Ommani, A. R., & Chizari, M. (2006, January). The perception of rural youths regarding teamwork in youth club. In *Proceedings of the Association for International Agricultural and Extension Education, 22nd annual conference*.
- Osborne, E. W., & Dyer, J. E. (2000). Attitudes of Illinois agriscience students and their parents toward agriculture and agricultural education programs. *Journal of agricultural education*, 41(3), 50-59.
- Pam, Y. D. (2014). Rural-urban migration among youths in Nigeria: The impacts on agriculture and rural development. *IOSR Journal of Humanities And Social Science (IOSR-JHSS)*, 19(3), 120-123.
- Pehkonen, A. (2006). Immigrants Paths to Employment in Finland. *Finnish Yearbook of Population Research*, 113-128.
- Richardson, D. (2006). How can agricultural extension best harness ICTs to improve rural livelihoods in developing countries. *ICT in agriculture: Perspectives of technological innovation*, 14.
- Rifkin, S. B. (2003). A framework linking community empowerment and health equity: it is a matter of CHOICE. *Journal of health, population and nutrition*, 168-180.
- Ring, J. K., Peredo, A. M., & Chrisman, J. J. (2010). Business networks and economic development in rural communities in the United States. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 34(1), 171-195.
- Rogers, M. E., & Creed, P. A. (2011). A longitudinal examination of adolescent career planning and exploration using a social cognitive career theory framework. *Journal of adolescence*, 34(1), 163-172.
- Scarpetta, S., Sonnet, A., & Manfredi, T. (2010). *Montée du chômage des jeunes dans la crise*. OECD Publishing.
- Sharma, A., & Bhaduri, A. (2006). The "tipping point" in Indian agriculture. Understanding the withdrawal of Indian rural youth. Draft prepared for the IWMI-CPWF project on "Strategic Analysis of National River Linking Project of India. In *Colombo, Sri Lanka: International Water Management Institute*.
- Sumberg, J., Anyidoho, N. A., Leavy, J., te Lintelo, D. J., & Wellard, K. (2012). Introduction: The young people and agriculture 'problem' in Africa. *IDS Bulletin*, 43(6), 1-8.
- Thissen, F., Fortuijn, J. D., Strijker, D., & Haartsen, T. (2010). Migration intentions of rural youth in the Westhoek, Flanders, Belgium and the Veenkoloniën, The Netherlands. *Journal of Rural Studies*, 26(4), 428-436.
- Tijani, J. O. (2014). *International Journal of Economics, Commerce and Management*.
- Whetten, D. A. and K. S. Cameron (2002). *Developing management skills*, New York: Harper Collins.
- White, B. (2012). Agriculture and the generation problem: rural youth, employment and the future of farming. *IDS Bulletin*, 43(6), 9-19.